

## معناشناسی مکان در بازخوانی هویت در فضای ورودی مسکن براساس رویکرد پدیدارشناسی<sup>۱</sup>

\* مریم اسکندری

\*\* لیدا بلبیلان اصل

\*\*\* داریوش ستارزاده

E-mail: Eskandarim10@yahoo.com

E-mail: lidabalilan@hotmail.com

E-mail: Dariush\_sat@msn.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۳/۱

### چکیده

امروزه نگرش کمی به مقوله‌ی مسکن، سبب ایجاد بناهایی فاقد هویت و کیفیت مطلوب شده است. از طرفی به‌رغم تناقضات گوناگون در رابطه با کاربرد مفهوم هویت در حوزه معماری، اغلب نظریه‌پردازان، تعریف آن را به‌عنوان معنا یا سطحی از معنا پذیرفته‌اند، این معنا در کنش متقابل میان انسان و محیط قابل تعریف است. در این نوشتار با هدف بازخوانی هویت ملی، به روش تحلیل محتوا و با تکنیک کتابخانه‌ای و با استعانت از روش پدیدارشناسی که داعیه‌ی آن «بازگشت به خود چیزها و اشیاء است» و با حرکت از مفهوم به مصداق به کمک دستگاه فکری - فلسفی ملاصدرا (حکمت متعالیه) به‌عنوان راه فهم وجوهی از روابط متقابل انسان و محیط به خوانش لایه‌های معنایی در فضای ورودی مسکن می‌پردازیم و ویژگی‌های فضای ورودی در سه لایه‌ی آشنایی، عملکردی - تماسی و دسترسی بصری، بر مبنای علل چهارگانه تأثیرگذار در شکل‌گیری هر لایه، طبقه‌بندی شده است. نتایج بیانگر آن است که مکان از جنس وجود و رفتار به‌عنوان ماهیتی ظاهرکننده‌ی مکان به حدود و عوارض است، و می‌توان گفت تقدم اصالت وجود بر ماهیت در کنش متقابل بیرون و درون در فضای ورودی تجلی یافته است. بنابراین فضای ورودی در مسکن ایرانی نمونه‌ی بارز از مکانی با هویت ملی است.

**کلید واژه‌ها:** معناشناسی، فضای ورودی، هویت ملی، مسکن.

۱. مقاله بر گرفته از رساله‌ی دکترای با عنوان «معناشناسی مکان در بازخوانی هویت در معماری مسکونی معاصر تبریز براساس رویکرد پدیدارشناسی» در سال ۱۳۷۹ در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز است.
- \* دانشجوی دکتری معماری دانشکده هنر و معماری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران
- \*\* دانشیار رشته معماری دانشکده هنر و معماری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران، نویسنده‌ی مسؤول
- \*\*\* استادیار رشته شهرسازی دانشکده هنر و معماری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

### بیان مسئله

هر بنا به میزانی زنده است که به «راه بی‌زمان ساختن» ملتزم باشد (الکساندر، ۱۳۸۱: ۲۱). راهی بی‌زمان که بر گستره‌ای فرهنگی و اجتماعی خود را می‌نمایاند تا با تکرار الگوهای ویژه از رویدادها در مکانی خاص، عنصری هویت‌بخش و معنا ساز در ساختار مکانی و زمانی باشد (محمودی‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۷: ۲۸۲). در جهان امروز تلاش برای حفظ هویت، یکی از منازعات اصلی ملت‌هاست. و ضرورت دستیابی به معماری با هویت ملی ایرانی، موضوعی است که در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه، به خواستی ملی نیز تبدیل شده است. به واقع هویت یک ملت خود را در ابنیه تاریخی و موارث فرهنگی نشان می‌دهد (میرزایی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۲۱). بازخوانی هویت ملی یکی از ضرورت‌های دوران ما است؛ جامعه‌ی ما از یک سو با سنت و هویت سنتی ایران و ایرانیان درگیر است و از سوی دیگر، در تقابل یا پذیرایی از مؤلفه‌ها و ساختارهای هویت متجدد دست و پا می‌زند (مقصودی و حاجی‌پور، ۱۳۹۵: ۱۹). به نظر می‌رسد مطالعه و تحلیل سکونت‌گاه‌های تاریخی می‌تواند در بازخوانی هویت ملی راهگشا باشد. زمانی که بشر موفق به درک مفهوم درون و بیرون شد، «سکونت گزیدن» را تجربه کرد (عینی‌فر و علی‌نیای مطلق، ۱۳۹۳: ۵۵). و از آنجا که مسکن نمی‌تواند به‌عنوان محیطی به طور کاملاً مجزا از دنیای خارج محسوب شود، چگونگی نحوه‌ی ارتباط فضاهای مسکونی به یکدیگر و به خیابان‌ها و فضاهای باز اطراف آنها، از ضروریات طراحی یک خانه است (مدنی‌پور، ۱۳۸۷: ۹۷). از طرفی روند رو به رشد تقاضای مسکن و توسعه نگرش تک بعدی و کمیت‌گرا به محیط‌های مسکونی به‌عنوان تفکر برخاسته از زمینه‌ی اجتماعی و اقتصادی ایران معاصر، سبب شده در فرهنگ معماری معاصر توجه لازم به مسأله‌ی بنیادین کیفیت محیط‌های مسکونی به معنای واقعی آن اعمال نشود (معینی و اسلامی، ۱۳۸۹: ۴۸). مواجهه با افزایش بهای زمین و تولید انبوه مسکن و استفاده از الگوهای طراحی وارداتی نیز به ابهام تعریف ارتباط بیرون و درون واحدهای مسکونی افزوده است (عینی‌فر و علی‌نیای مطلق، ۱۳۹۳: ۵۵). در اکثر موارد، ورود از یک فضا به فضای دیگر همواره با بروز تمایزات بین دو فضای مختلف، به‌صورت تدریجی و مستلزم ورود از یک یا چند فضای واسطه است. حتی در محیط‌های طبیعی نیز به دلیل تغییر تدریجی ساختار محیط طبیعی، مرحله خروج از یک فضا و ورود به فضای دیگر، اغلب تدریجی است (بحرینی، ۱۳۸۲: ۱۳). و در این سیر تدریجی، نخستین

حلقه‌ی ارتباطی افراد با فضای «ورودی» است که می‌توان گفت از دو منظر عینی و ذهنی، قابل تعریف و بررسی است. با توجه به این که بزرگترین داعیه پدیدارشناسی «بازگشت به خود چیزها و اشیاء» است، هدف این پژوهش کاربردی کردن این نظریه معماری و بررسی و استخراج آن از درون مؤلفه‌های کهن و بازتاب بخشیدن به آن در معماری مسکونی معاصر و به‌ویژه در فضای ورودی، در راستای بازخوانی هویت ملی است.

### سؤالات تحقیق

**سؤال کلی:** آیا با معناشناسی فضای ورودی در مسکن ایرانی، می‌توان به تعریف مکانی با هویت ملی رسید؟

### سؤالات جزئی:

- ۱- معنای مکان در فضای ورودی مسکن ایرانی چیست؟
- ۲- ویژگی‌های (لایه‌های) معنایی فضای ورودی در مسکن ایرانی را در راستای بازخوانی هویت ملی چگونه می‌توان طبقه‌بندی کرد؟

### روش تحقیق

روش پژوهش در این نوشتار به صورت تبیین و تحلیل کیفی محتوا و با تکنیک کتابخانه‌ای از منظر پدیدارشناسی و براساس نظریه‌ی کنش متقابل و از بعد فلسفی براساس حکمت متعالیه، در فضای ورودی مسکن ایرانی صورت گرفته است. در گام اول سعی شده تا ادبیات مرتبط با تحقیق از منظر نظریه‌پردازان و دیدگاه فلسفی ملاصدرا در حوزه هویت و معناشناسی و نیز مفهوم هویت ملی و شاخصه‌های آن در معماری سنتی و به‌ویژه در فضای ورودی مسکن ایرانی و هم‌چنین هویت مکان از منظر پدیدارشناسی بررسی می‌شود. سپس با استدلال منطقی، و با توجه به اتفاق نظر تمامی رویکردهای مطرح به این که مفهوم معنا در بستر یک فرآیند ارتباطی شکل می‌گیرد؛ با استفاده از نظریه‌ی کنش متقابل و شفافیت نظری و بیان قوی حکمت متعالیه به‌عنوان جمع نظر حکیمان اسلامی در مورد فرآیند تکوین انسان و هویت‌یابی و فهم رابطه و کنش متقابل انسان با محیط به‌صورت موردی ویژگی‌های فضای ورودی مسکن با توجه به لایه‌های معنایی سه‌گانه آن طبقه‌بندی شده است.

## مبانی نظری و مفهومی مفهوم هویت و هویت ملی

هویت یکی از مفاهیم مهم در حوزه مطالعات فرهنگی و اجتماعی است. هویت پیدا کردن فراگردی است که طی آن کنشگر خویشتن را می‌شناسد و معناسازی می‌کند (کاستلز، ۱۹۹۸: ۲۲). یکی از وجوه مهم و ارزنده‌ی هویت که در سطح ملی و اجتماعی همواره مورد توجه بوده، هویت ملی است. هویت ملی در واقع احساس تعهد و تعلق به فرهنگ، تاریخ، سرزمین، زبان و مذهب است (هاشمی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۶: ۸۶). در جدول شماره ۱، وجوه معنایی هویت و هویت ملی به اجمال تبیین شده است.

جدول شماره ۱: وجوه مختلف معنای هویت و هویت ملی. (منبع: نگارندگان)

<p>هویت به معنی هستی و وجود است؛ یعنی مجموعه خصائل فردی و خصوصیات رفتاری، متمایز کننده از دیگران (دولتی و ضامنی، ۱۳۹۴: ۸).</p> <p>هویت به معنای آگاهی فرد از کیستی خود و تعلقات اجتماعی‌اش است (حیدری و خان‌محمدی، ۱۳۹۶: ۱۴۲).</p> <p>هویت به‌عنوان فرآیند پاسخ‌گویی آگاهانه‌ی افراد و اجتماعات به پرسش‌هایی از باب کیستی و چیستی، پیوند دهنده‌ی نظم کهن تاریخی به سامانه‌ی نوین است (مقصودی و حاجی‌پور، ۱۳۹۵: ۱۹).</p>	<p>۳ ۳ ۳ ۳ ۳</p>
<p>حس هویت ملی ابزار قدرتمندی برای تعریف و تعیین موقعیت و ماهیت فرد در جهان است و احساس تمایز در یک جامعه‌ی جهانی با کمک هویت ملی افراد به دست آمده و مهیا می‌شود (دولتی و ضامنی، ۱۳۹۵: ۳).</p> <p>هویت ملی، هویتی اکتسابی است که از سوی فرد طی فرآیند جامعه‌پذیری کسب می‌شود (دانایی و بابایی، ۱۳۹۶: ۴۳).</p> <p>هویت ملی به معنای احساس تعلق و وفاداری به عناصر و نمادهای مشترک در اجتماع ملی (جامعه کل) و در میان مرزهای تعریف شده سیاسی است (یوسفی، ۱۳۸۰: ۱۱).</p> <p>هویت ملی، احساس مشترک و آگاهی جمعی است که در یک یا نسبت به یک قلمرو و سرزمینی (دولت - ملت)، عینیت نمادین یافته و بر مبنای یک ادراک تاریخ‌مند معنا می‌یابد (بیگدلو، ۱۳۹۶: ۲۱).</p>	<p>۳ ۳ ۳ ۳ ۳</p>

### مفهوم‌شناسی هویت با تأکید بر فلسفه حکمت متعالیه

فضای مفهومی اصطلاح هویت، تابعی از دریافتهای بنیادی در شاخه‌های مختلف معرفت انسانی است. این تعاریف بیش از همه در حوزه‌های فلسفه، روان‌شناسی، مردم‌شناسی، انسان‌شناسی و غیره مطرح و قابل طبقه‌بندی است (بیدهندی و نوروزی، ۱۳۹۰: ۴۹). معمولاً تعاریفی که به چیستی هویت اشاره دارد ریشه در رویکردهای فلسفی دارد؛ نظر به حکمت متعالیه، ملاصدرا با بهره‌گیری از اصل حرکت جوهری و

اصل اتحاد عاقل و معقول، مسئله‌ی ارتباط نفس و بدن را که سال‌ها مورد بحث اندیشمندان بسیاری بوده، وارد حیطه جدیدی کرده است. او کمال نفس هر انسان را در وصول به مجرد عقلی او می‌داند که پس از گذشتن از مراحل سه گانه نفس (نباتی، حیوانی، انسانی) حاصل می‌شود. تصویری که ملاصدرا از هویت انسان و فرآیند شکل‌گیری آن ارائه می‌کند بر بعد باطنی و آخرتی انسان بسیار تأکید دارد (بیدهندی و نوروزی، ۱۳۹۰: ۴۹). ملاصدرا، هویت را نحوه‌ی وجودی می‌داند «هویت هر موجودی عبارت از نحوه خاص وجود اوست. در انسان هویت واحده است. و مراد نفس است که موجب حفظ وحدت و تشخیص نوعی و شخصیت افراد و انواع است» (سجادی، ۱۳۳۸: ۸۰۲). هم‌چنان‌که انتقال واقعیت از «موجود» به «وجود» وصف ویژه حکمت متعالیه است در فلسفه صدرایی برخلاف نظر ابن سینا و ارسطو که بر مبنای آن موجود نقش اساسی در تحلیل واقعیت دارد، اصالت با وجود است. تمایز میان «موجود» و «وجود» هنگامی به درستی فهمیده می‌شود که ما به تمایز دقیق بین دو صورت وصفی هستی، یعنی «موجود» (آن چیزی که هست) و صورت قطعی هستی، یعنی «بودن» یا «وجود داشتن» به‌عنوان نکته‌ای مهم در حکمت متعالیه توجه کنیم (شیرازی، ۲۰۱۲: ۷).

### ماهیت معماری براساس حکمت و هنر اسلامی (حکمت متعالیه)

پیدایش اثر معماری، به مثابه حاصل کار فکری - عملی و پیش از آن معرفت اصیل و حضوری، مقتضی گذار از بالقوه به فعل و حرکت در مراتب بالاتری از وجود و به تعبیری از نیستی به هستی است. در جدول شماره ۲، علل مطرح در این گذار به اختصار آمده است.

جدول شماره ۲: علل چهارگانه و کاربری آنها در تبیین ماهیت معماری.

(منبع: نگارندگان با استناد به صالحی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۰۷)

ساختن جهان و شکل گرفتن دو منش اصلی معماری است. هم‌چنان‌که خلقت مظهر تجلی الهی و آینه‌ای است که خدا خود را در آن به صفات جلال و جمال مشاهده می‌کند، معماری نیز مظهر انسانی است که بنابر اعتقادات خودش جهانی تازه خلق می‌کند. ابزار این آفرینش تخیل خلاق است.	علت فاعلی
معماری در مکان ایجاد می‌شود. یعنی مکان، محل معماری است و معماری مظهر فعلیت مکان است. مکان در لغت به معنی «امر یا چیزی است که چیز دیگر بر آن نهاده و یا تکیه کند» (سجادی، ۱۳۸۶: ۴۷۰). در تکمیل این تعریف با استناد به تعریف	علت مادی - صوری

<p>ملاصدرا «مکان عبارتست از سطح باطن از جسم که مشتمل بر سطح ظاهر از جسم محو است». می توان گفت: مکان یک جسم آن مقدار از صورت آن جسم است که بر همان مقدار از صورت جسم دیگر ساییده شود و قسمت ساییدن را «محل مکان» می گویم (دیباچ، ۱۳۷۸: ۴). عالم مادی پر از توده و فضا است که هر دو از جنس ماده هستند: فضا بدون در مکان بودن به صورت عینی وجود ندارد و مکان شرط لازم عالم جسمانی است. می توان گفت علت مادی معماری را توده و فضا (ماده های مکان) و علت صوری معماری را صورت مکان تشکیل می دهند.</p>	
<p>علت غایی معماری، فعلیت مکان جهت معرفت و گشایش فضای اندیشه و خیال است. و علت مثالی آن توصیف بهشت است. معمار با استفاده از شعائر سنتی که آماده اش می سازند، می تواند آثار هنری بیافریند که بازتابی از صور در ملکوت یا «عالم مثال» است.</p>	<p>علت غایی - مثالی</p>

### اصول سازندهی هویت در معماری از دیدگاه نظریه پردازان در راستای بازشناسی جایگاه معنایی آن

دیدگاه های مطرح شده در رابطه با مفهوم هویت در معماری، می تواند معیارهایی برای هویت بخشی آثار معماری در اختیار معماران قرار دهد. این نکته دلالت دارد که معماری و شهرسازی، واجد رسالتی است تا ارزش های کهن فرهنگی را در درون خویش پاس دارد و بر این اساس عنصری هویت بخش در ساختار فرهنگی شمرده می شود. در جدول شماره ۳، اصول مرتبط با مفهوم هویت از زاویه دید نظریه پردازان معماری تحلیل شده است.

جدول شماره ۳: استنتاج اصول مرتبط با مفهوم هویت از زاویه دید نظریه پردازان معماری. (منبع: نگارندگان با استناد به سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۵).

نظریه پرداز	دیدگاه در رابطه با مفهوم هویت در معماری	استنتاج اصول
کریس ابل	معماری را مجموعه ای از مهارت ها و علوم می داند که قابل توصیف نبوده و تقلیل ناپذیر است، اما عملکرد اصلی آن را در شکل دادن به مکان می داند (ابل، ۱۳۸۷: ۲۷۵).	انطباق با بافت، اقلیم، فرهنگ، انطباق با نیازهای انسان، انطباق با روح زمان
گوردن کالن	او فرهنگ محلی را مقوله ای نسبتاً تغییرناپذیر می داند که باید مبتنی بر شرایط زمان تعریف شود (فرامپتون، ۱۳۸۵: ۱۰۸).	تداوم، انطباق با فرهنگ، انطباق با روح زمان
گوردن کالن	کالن با تأکید بر نقش ادراک، خاطرات و تجربیات	انطباق با فرهنگ، قابلیت

شخصی سازی، خلاقیت و نوآوری، انطباق با بافت	انسان را به عنوان عاملی مهم در طراحی محیط بیان می کند (کالن، ۱۳۹۰: ۷).	چارلز کوره آ
تداوم، قابلیت شخصی سازی، انطباق با نیازهای انسان، انطباق فرم با فناوری، اقلیم، فرهنگ، انطباق با روح زمان	او هویت را یک فرآیند می داند و معتقد است که شکل فرآیندی هویت، موجب شکل گیری و توسعه آن طی زمان و بر مبنای حل مشکلات واقعی می شود (کوره آ، ۱۹۸۳: ۱۰).	چارلز کوره آ
انطباق با روح زمان، و نیازهای انسان، قابلیت شخصی سازی، انطباق با بافت و فرهنگ، خلاقیت و نوآوری	طراحان باید برای پاسخ به نیازهای هویتی مردم، به خواسته ها و تمایلات آنها توجه داشته باشند. هرگاه که شرایط عوض شود استدلال های جدیدی با استفاده از تفکر خلاق مورد نیاز است (لنگ، ۱۳۹۰: ۲۷۲).	جان لنگ
انطباق فرم و عملکرد (شفافیت) انطباق با بافت (خوانایی) انطباق با فرهنگ (سازگاری) انطباق با روح زمان، قابلیت شخصی سازی	هویت را به ساده ترین شکل معنی «معنی یک محل» تعریف کرده او سازگاری، شفافیت و خوانایی را از اجزای معنی می داند که ارتباط میان شکل و ارزش های غیرفضایی را بیان می کنند (لینچ، ۱۳۹۰: ۱۷۲).	کوین لینچ
انطباق فرم و عملکرد (شفافیت) انطباق با بافت (خوانایی) انطباق با فرهنگ (سازگاری) انطباق با روح زمان و نیاز انسان، قابلیت شخصی سازی	شولتز هویت را مفهومی وحدت یافته و یکپارچه می داند که به صورت هوا، سپهر / اتمسفر یا جو مکان بر مخاطب اثر می گذارد. او معتقد است که «معماری اصیل، معماری مراقبت است؛ اما معماری مراقبت لزوماً معماری مشارکت است» (نوربرگ شولتز، ۱۳۸۲: ۱۱۵).	کریستین نوربرگ شولتز

در جمع بندی از دیدگاه نظریه پردازان در رابطه با مفهوم هویت و معماری، می توان دو دسته بندی انجام داد. در دسته اول، معماری به عنوان نمادی از هویت فرد و جامعه مطرح است. در مقابل در دسته دوم، هویت در خود اثر و به عنوان معنا، مفهوم و ویژگی های اثر را بازتاب می دهد.

### معناشناسی

معناشناسی روندی است در جهت درک آنچه معماری برای آن به وجود آمده است.

برای این که بتوانیم تحلیلی معناشناسانه از مکان در فضای ورودی مسکن ایرانی انجام دهیم؛ ابتدا به بررسی و تبارشناسی الگوها و نظریه‌های نشانه - معناشناسی از دیدگاه صاحب‌نظران در قالب جدول شماره ۴ پرداختیم.

جدول شماره ۴: تحلیلی بر نظریه‌های نشانه - معناشناسی.

منبع: نگارندگان براساس (وسکاه و منصور، ۱۳۹۵: ۲۴۹)

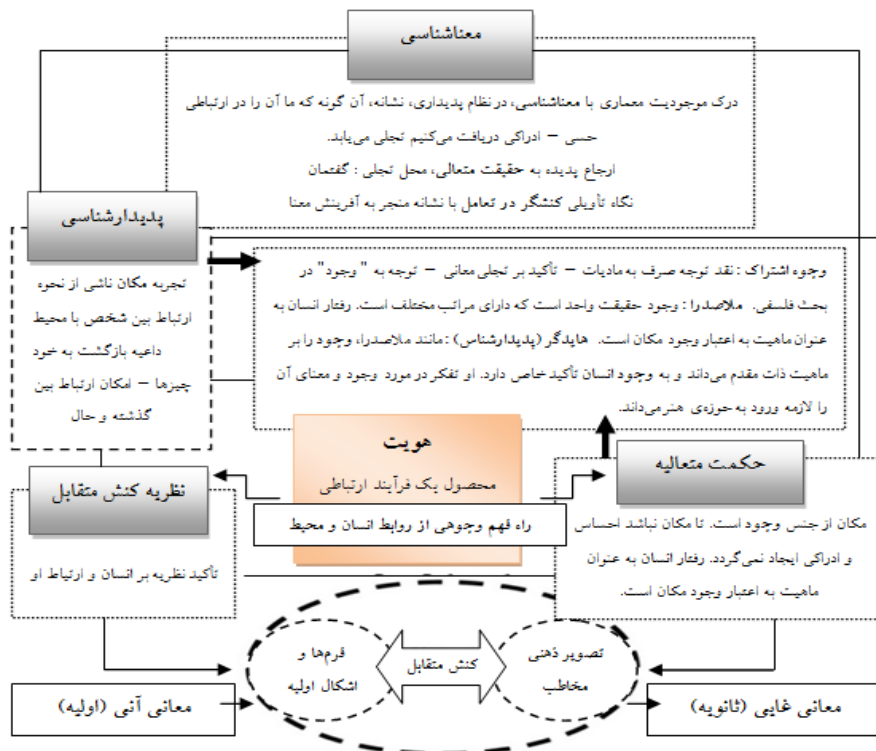
نظریه پرداز	محور اصلی نظریه
فردینان دو سوسور	سوسور نشانه را موضوعی «فیزیکی» و در عین حال «معنادار» می‌پندارد. پدیده‌ای که از ترکیب «دال» و «مدلول» شکل می‌گیرد.
چارلز ساندرز پیرس	از نظر پیرس، «نشانه» زمانی نشانه است که قابلیت انتقال به نشانه‌ای دیگر را که به او قدرت شکوفایی ببخشد، داشته باشد (داکرو و شفر، ۱۹۹۵: ۲۵). پیرس نشانه‌ها را به سه دسته معروف شمایل، نمایه و نماد تقسیم کرده است (آلتون، ۱۳۸۱: ۱۳۷).
امبرتواکو	اکو در یک تعریف کلی نشانه‌شناسی را حوزه‌ای می‌داند که با کل فرهنگ انسانی سروکار دارد (اکو، ۲۰۰۵: ۱۷).
رولان بارت	بارت نگاهی انسان‌شناسانه به اشیاء و نشانه‌ها داشت (فکوهی، ۱۳۸۶: ۱۴)؛ به‌طورکلی در منظومه فکری بارت با مجموعه کلید واژه‌هایی مواجه هستیم که ریشه در اندیشه‌های سوسور دارد.
ترول یلمزوف	در تحلیل یلمزوف نشانه حاصل عملکرد دو صورت فرم است: صورت معنی و صورت لفظ.
هربرت بلومر	هربرت بلومر معانی پدیده‌های گوناگون را شامل یکسری توافقی‌های نمادین می‌داند که در هر جامعه‌ای در قالب زبان تعریف می‌شود (تنهایی، ۱۳۷۹: ۴۵۳). محیط ساخته شده تنها زمانی معنا می‌یابد که معنای آن از طریق کنش متقابل اجتماعی و تفسیر انسانی تعیین شده باشد.

هویت یا معنای یک اثر معماری، محصول تعامل و کنش متقابل اجتماعی میان فرد و آن اثر بوده که بر مبنای تعامل میان ویژگی‌های اثر و تصویر ذهنی مخاطب شکل می‌گیرد. هم‌چنان‌که هربرت بلومر، پدیده‌های گوناگون را شامل یکسری توافقی‌های نمادین می‌داند (رجوع شود به جدول ۴). با توجه به موارد فوق و این‌که تمامی نظریه‌های فوق روند شکل‌گیری معنا را در بستر یک فرآیند ارتباطی می‌دانند؛ این پژوهش در تحلیل معنای مکان، بر نظریه‌ی کنش متقابل که رویکردی میانه را نسبت به ماهیت معنا دارد استناد کرده است، و با بهره‌گیری از معناشناسی، حکمت متعالیه و



پدیدارشناسی به خوانش لایه‌های معنایی در فضای ورودی پرداخته است. نمودار شماره ۱، ارتباط این مفاهیم و نحوه کاربری آنها را در این پژوهش نشان می‌دهد.

نمودار شماره ۱: الگویی تحلیلی از کاربری و نحوه ارتباط نظریه‌های مطرح در این پژوهش (منبع: نگارندگان)



### معناشناسی فضای ورودی مسکن ایرانی

در مواجهه با نمای بیرونی در ابنیه سنتی و بالأخص در ابنیه مسکونی، درگاه یا ورودی به لحاظ ابعاد، شکل و ویژگی حفره ماندش در مقایسه با بدنه، استثنایی است که در زمینه‌نما رخ داده است یا به عبارتی محمولی (۱) است که در تضاد با موضوع یا زمینه به آن افزوده شده و بدین ترتیب به سطح جدیدی از معنا وارد می‌شود (میرشاهزاده و همکاران، ۱۳۹۰: ۵). در این راستا معناشناسی فضای ورودی با استناد به مطالعات صورت گرفته در قالب جدول شماره ۵، ارائه شده است.

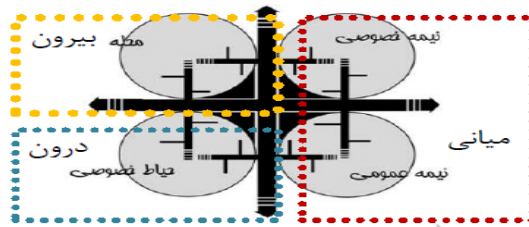
جدول شماره ۵: معناشناسی فضای ورودی در معماری مسکن ایرانی.  
(منبع: نگارندگان).

معنا	فضا
نقش نمادین ورودی (۲)	ورودی
فضایی دروازه مانند	
کیفیت تقعر (۳)	
نمود سلسله مراتب حرکت و دید	
حرمت آفرینی (۴)	
وجود تزئین در سردر	
وجود عملکرد های متنوع (۵)	
رویاری عمودی و تماشای صحنه ها پس از ورود (۶)	
تسهیل، کنترل و طولانی کردن مسیر حرکت از بیرون به درون	
جداسازی فضای بیرونی از فضای اندرونی	

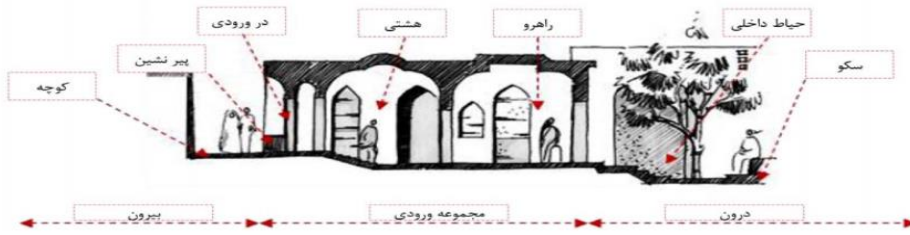
### ارتباط بین هویت فضای خصوصی و هویت فضای عمومی

در تبیین ارتباط بین فضای خصوصی و فضای عمومی در مسکن، اصل سلسله مراتب فضایی حائز اهمیت است اصل رده بندی یا سلسله مراتب فضایی در معماری سنتی ایران را در سه سطح، آشکارا می توان دید که اولین سطح، رده بندی فضایی میان درون و بیرون است که بر مرز بندی حریم های فضایی تأکید دارد (طیبیان، ۱۳۹۰: ۶۳). ارتباط درون و بیرون در اتصال مقیاس کل به جزء نیز قابل مشاهده است، مطابق تصویر ۱، در همین رابطه، سلسله مراتب فضایی در گذر از محله به خانه به صورت مرکز محله، راسته، گذر، دربند، درگاه ورودی و هشتی نمود می یابد (تصویر ۲).

تصویر شماره ۱: سلسله مراتب محرمیت در مسکن. (منبع: طیبیان، ۱۳۹۰: ۶۳)



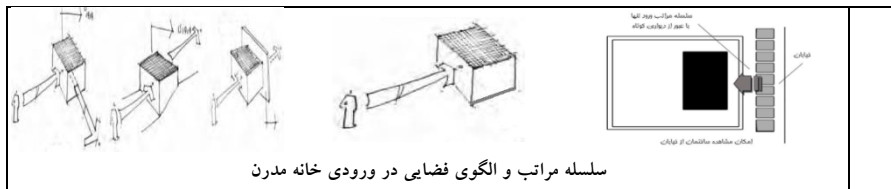
تصویر شماره ۲: ارتباط درون و بیرون و موقعیت فضای ورودی در نمونه مسکن ایرانی.  
(منبع: غفوریان و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۲۹).



در همین راستا در جدول شماره ۶، سلسله مراتب فضای ورودی در برخی از نمونه‌های مسکن سنتی و مدرن ایران بررسی شده است.

جدول شماره ۶: تحلیل و مقایسه سلسله مراتب فضای ورودی در مسکن سنتی و مدرن ایران.  
(منبع: نگارندگان)

<p>خانه باکوچی کاشان</p>	<p>خانه قزوینی‌ها در اصفهان</p>	<p>خانه عباسی کاشان</p>	<p>خانه قدکی تبریز</p>	<p>خانه سلماسی تبریز</p>	<p>ورودی مسکن سنتی</p>
<p>سطح کلان      سطح خرد</p>					<p>ورودی مسکن مدرن</p>
<p>تبدیل ارتباط سلسله مراتبی، غیرمستقیم و تدریجی خانه به ارتباط سریع، مستقیم و ناگهانی - تبدیل دسترسی با واسطه از بیرون به فضای اصلی به دسترسی بی‌واسطه</p>					
<p>ایجاد مانع      اختلاف ارتفاع      تغییر جهت</p>					
<p>سلسله مراتب و الگوی فضایی در ورودی خانه سنتی</p>					



فضا در معماری سنتی برخلاف معماری معاصر و متأثر از جهانی شدن، کاملاً وابسته به مکان بود. از آنجا که رویکرد پدیدارشناسی، بیش از هر چیز متوجه مفاهیم زیست جهان (۷) و مکان و ارتباط در هم تنیده آنها با انسان است؛ ضروری است مفاهیم مرتبط با هویت و معنا در مسکن براساس این نظریه مورد واکاوی قرار گیرد تا در طبقه‌بندی لایه‌های معنایی لحاظ شود. و با توجه به این‌که مفهوم معنا در بستری یک فرآیند ارتباطی شکل می‌گیرد. برای تشریح بیشتر این فرآیند ارتباطی می‌توان از نظریه‌ی کنش متقابل استفاده کرد. بنابراین در ادامه بحث لازم است که نظریه کنش متقابل و رویکرد آن نسبت به ماهیت معنا و پدیدارشناسی هویت مکان به اختصار مطرح شود.

### نظریه کنش متقابل

کنش متقابل یکی از دیدگاه‌های نظری جامعه‌شناسی معاصر است که در دهه‌های اخیر بحث‌های فراوانی را برانگیخته است. این دیدگاه خود جزئی از بینش جامعه‌شناسی پدیدارشناسانه است. مهم‌ترین اندیشمندان این نظریه جورج هربرت مید و شاگردش هربرت بلومر است که مبدع این نظریه محسوب می‌شود (انواری، ۱۳۹۰: ۱۵۳). از منظر این نظریه، انسان موجودی کنشگر است که به مدد قوه تفسیر، رفتار و سلوک خویش را در برابر دیگران شکل می‌دهد. نظریه کنش متقابل رویکردی میانه را نسبت به ماهیت معنا در نظر می‌گیرد که بر مبنای آن معنای پدیده‌ها نه در ذات خود اشیاء و نه در ذهن انسان قرار داشته، بلکه محصول روابط متقابل اجتماعی است (تنهایی، ۱۳۷۹: ۴۴۷). بر این مبنا سلسله مراتب معنا را می‌توان مطابق نمودار شماره‌ی ۲، تبیین کرد.

نمودار شماره ۲: سلسله مراتب معنا با استناد به نظریه کنش متقابل  
(منبع: نگارندگان با استناد به سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۵).



### رویکرد پدیدارشناسانه به هویت مکان

هدف از مطالعه پدیدارشناسانه، شناخت موقعیت‌ها، رویدادها، معنی و تجربیات انسانی است «به گونه‌ای که در زندگی روزمره انسان رخ می‌دهد» (اکرتسبرگ، ۱۹۹۸: ۳). پدیدارشناسی (۸) سویه‌های مفهومی متنوعی را از پدیدارشناسی استعلایی ادموند هوسرل، پدیدارشناسی هرمنوتیک پائول ریکور و پدیدارشناسی اگزستانالیستی مارتین هایدگر و موریس مورلوپونتی دارد (اسپیلبرگ، ۱۹۸۲: ۸).

جدول شماره ۷: پدیدارشناسی مؤلفه‌های تشکیل دهنده هویت مکان در معماری سنتی با تأکید بر فضای ورودی مسکن. (منبع: نگارندگان با استناد به تابان و همکاران، ۱۳۹۱: ۷۹).

مؤلفه‌ها	مفاهیم محوری	اصول	لایه فضایی
منظر (تکرار و سیمای)	یکی از شاخصه‌های مورد توجه فضا از دیدگاه پدیدارشناسی چون پلاσμα، ادراک‌پذیری آن توسط تمام حواس است. با کمی دقت در کیفیات حسی خانه‌های سنتی ایرانی می‌توان این کیفیات را در فضاهای مختلف خانه حس کرد (حمزه‌نژاد و دشتی، ۱۳۹۴: ۳۰).	سیمای کلی ارتباط بیرون و درون امکان رویارویی نماد، محرک احساس	لایه آشنایی

تداوم فضایی		تداوم فضایی	
تداوم فضایی	تداوم فضایی	تداوم فضایی	تداوم فضایی
محدود و ارتباط آن با سایر فضاهای مجاور است که ماهیت کشش و حرکت را نیز دارد (کیانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۴).	سلسله مراتب فضایی	تداوم در دید، مقیاس و تناسب	تداوم در دید، مقیاس و تناسب
مرتبط باهم ببیند یعنی باید آن دو را اجزای یک مفهوم بشمارد (آرنه‌ایم، ۲۰۰۷: ۱۲۳).	لايه عملكردي - تماسي	رتبته رويداد	لايه عملكردي - تماسي
«رسیدن به مکان که پس از رویارویی رخ می‌دهد و شناخت مکان که پس از کشف نظم و تداوم فضایی آن رخ می‌دهد، به ماندن، تعمق و فهم رویداد مکان می‌انجامد. هم رویداد از فهم بیننده حاصل می‌شود و هم مکان دیدار (تابان و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۷).	لايه	رتبته رويداد	لايه
	حضور در مکان	رتبته رويداد	حضور در مکان
	مکت و سکون برای دسترسي	رتبته رويداد	مکت و سکون برای دسترسي
	تعمق فهم مکان بصري	رتبته رويداد	تعمق فهم مکان بصري

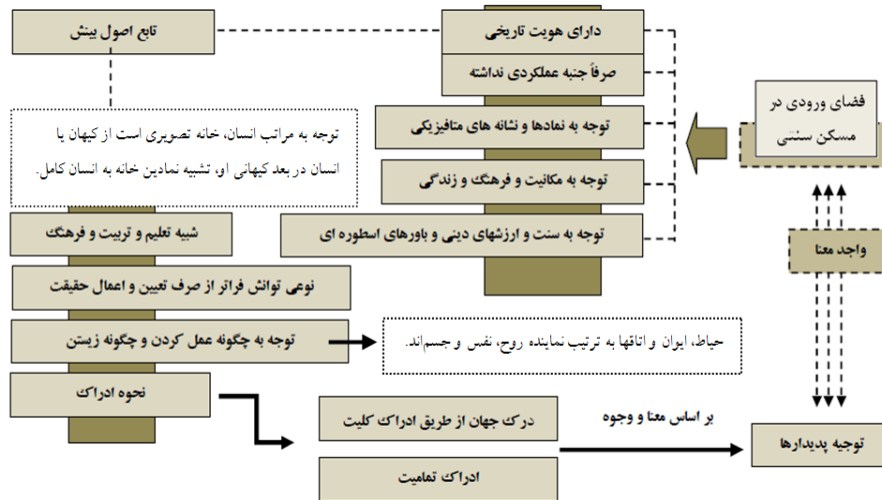
براساس رویکرد پدیدارشناسی می‌توان گفت که تجربه مکان، ناشی از نحوه‌ی ارتباط شخص با محیط است. خصوصیات مکان در فضای ورودی مسکن ایرانی که منجر به درک هویت مکان می‌شود، به‌صورت منظر، تداوم فضایی و صحنه رویداد، قابل دسته‌بندی است که فضای ورودی در صورت دارا بودن هر سه وجه، معنادار خواهد بود.

### یافته‌های تحقیق

مسکن در جوامع پیشامدرن هویت تاریخی دارد و به‌صورت‌های مختلف حامل ارزش‌های ملی، دینی و باورهای اسطوره‌ای و متافیزیکی است (۹). در دیدگاه سنتی انسان در جهانی می‌زید که فقط یک مبدأ و یک مرکز دارد (جوادی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۳۹). انسان مدرن تابع قراردادهای اجتماعی است. این قراردادها ساخته و پرداخته خرد انسانی هستند. فوکو می‌گوید: «ما باید سرپیچی کنیم از آن چیز که هستیم» (احمدی، ۱۳۷۷: ۶۴). از این‌رو هویت انسان مدرن، متکثر و نشأت گرفته از عوامل متعددی است که آدمی را به‌عنوان واحد کل می‌شناساند (جوادی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۳۹). از طرفی تحلیل و یافته‌های حاصل از پدیدارشناسی مسکن و به‌ویژه فضای ورودی نشان می‌دهد که مفاهیم حوزه پدیدارشناسی که در رابطه با زیست جهان و مکان مطرح هستند در شکل‌گیری مسکن ایرانی مورد توجه بوده است. مسکن سنتی با انسان هویت می‌گیرد و به او هویت می‌بخشد و با درگیر کردن حواس پنجگانه انسان به شناخت ضمنی او از

خانه رنگ می‌دهد و به سطوح برتر معانی نیز اشاره می‌کند و فرد را تا معنویت بالا می‌برد. مطابق با نمودار ۳، در مبانی محتوایی مسکن سنتی به مراتب انسان و تشبیه نمادین خانه به انسان کامل توجه شده و از طریق نمادهای ملکوتی (تأکید بر طبیعت، سمت‌یابی فضا، مرکزیت، نور و رنگ، اشکال هندسی و اعداد مقدس و آینه در معنای نمادین جوهر عرفان) به بالاترین سطح معنایی متصل است. از آنجا که اساس درک معماری این است که فضا به پیدایش صورت رهنمون شود (مثنوی و وحیدزادگان، ۲۰۱۴: ۲۷)، ایجاد معماری، به‌عنوان آینه وجود انسان (براساس حکمت متعالیه)، کار تخیل خلاق است و حقیقت در آن با گشایش فضای اندیشه و خیال به‌عنوان علت غایی رخ می‌نماید.

نمودار شماره ۳: تحلیلی بر معنای مکان در فضای ورودی مسکن سنتی براساس رویکرد پدیدارشناسی.



### نتیجه گیری

پدیدارشناسی معماری با توجه به ماهیت آن، که داعیه‌ی بازگشت به خود چیزها را دارد، می‌تواند ارتباطی دو طرفه میان گذشته و حال ایجاد کند که ماحصل آن طرحی برای آینده باشد. از طرفی تشخیص هویت یا ادراک معنا نیز محصول یک فرآیند ارتباطی است که در آن مقایسه‌ای میان ویژگی‌های اثر و اطلاعات موجود در ذهن فرد صورت می‌گیرد. اما این انتقال معنا تنها زمانی صورت می‌گیرد که اشتراک معنایی میان

اطلاعات ارسالی و دریافتی وجود داشته باشد. بر این مبنا استفاده از تداعی معانی نقشی ویژه در هویت بخشی به آثار معماری برعهده دارد. هویت و معنای یک اثر معماری سلسله مراتبی دارد که از قابلیت‌های موجود در آن اثر و میزان ارتباط میان اثر و مخاطب پدید می‌آید و می‌توان آن را در چهار سطح معنایی شامل معانی ابتدایی و شکلی، معانی کاربردی، معانی نمادین و معانی احساسی و عاطفی طبقه‌بندی کرد. که در شکل‌گیری هر لایه معنایی، چهار علت (فاعلی، مادی، صوری و غایی) تأثیرگذارند. از بعد فلسفی نیز، علت فاعلی با علت غایی و علت مادی با علت صوری نوعی وحدت دارند. طبق حکمت متعالیه در دایره وجود، حرکت به سوی مبدأ ضروری و خیال به‌عنوان واسطه بین حس و عقل است. لذا انسان با تخیل خلاق بازآفرینی خالقش را باز می‌یابد. و آنچه انسان بالفعل می‌یابد و درک می‌کند صورت است و دلیل ایجادش علت صوری است. و آنچه قابلیت محل شدن صورت را دارد ماده و دلیل ایجادش علت مادی است. و علت غایی معماری همان فعلیت مکان جهت‌گشایش فضای خیال و اندیشه است (نمودار شماره ۴). بنابراین می‌توان هر یک از ویژگی‌های فضای ورودی (مستخرج از جدول شماره ۵) را براساس این‌که بیشترین تجلی آن ویژگی در کدام لایه اتفاق می‌افتد مکان‌یابی کرد (جدول شماره ۸).

نمودار شماره ۴: تعریف سامانه معنایی - معماری برای فضای ورودی در مسکن ایرانی در

راستای بازخوانی هویت ملی





جدول شماره ۸: طبقه‌بندی ویژگی‌های فضایی ورودی در مسکن در راستای بازخوانی هویت ملی براساس لایه‌های معنایی

معانی ابتدایی و شکلی (لایه آشنایی)	معانی کاربردی - نمادین (لایه عملکردی - تماسی)	معانی احساسی - عاطفی (لایه دسترسی بصری)	علل شکل‌گیری لایه‌های معنایی
حرمت آفرینی	فضایی مرکب از عناصر برای وقفه و تغییر در نشانه و نماد به منظور تغییر فضا	صحنه رویداد عمودی و تماشای سکنس‌های فضایی پس از ورود	علت فاعلی
کیفیت تعمر	فضایی برای گذر و به عبارتی دروازه ورود	جداسازی فضای عمومی (بیرونی) از فضای خصوصی (اندرونی)	علت مادی
نقش نمادین	وجود تزئین و نشانه‌هایی از کهن الگوها در سر در	کشش فضایی به منظور القای حس خصوصی یا عمومی بودن	علت صوری
تسهیل کنترل و طولانی کردن مسیر حرکت	عملکردهای متنوع و گوناگون	سلسله‌مراتب حرکت و دید در مسیر ارتباطی	علت غایی

بر این اساس می‌توان گفت که فضای ورودی در مسکن ایرانی نمونه مکانی با هویت ملی است که تمام سطوح چهارگانه معنا را با سلسله مراتب مشخصی در خود جای داده است. و نتایج حاصل در ارتباط با مفهوم هویت بیانگر آن است که هویت یک اثر معماری ارتباطی عمیق با هویت کاربران خود دارد و در هماهنگی با تاریخ، دارای تداوم معنایی با گذشته است و در عین حال باید بیانگر روح زمان خود نیز باشد. و با توجه به این که مکان از جنس وجود است و رفتار به‌عنوان ماهیتی ظاهرکننده مکان به حدود است، مقدم بودن اصالت وجود بر ماهیت در کنش متقابل بیرون و درون در فضای ورودی تجلی یافته است. بنابراین معماری سنتی ایران به‌عنوان مظهر فعلیت مکان، امکان زندگی و انتخاب (طبق دیدگاه فلسفی ملاصدرا) را جهت رفتارهای گوناگون ارتقاء داده و بیشترین پیوند را با محیط مهیا می‌سازد.

بنابراین با توجه به این نکته که معماری مظهر فعلیت مکان بوده و سرمنشأ کیفیت‌های معنایی در طراحی، نزد طراحان است، ضروری است که در مسکن معاصر با تعریف صحیح فضای ورودی، از تداخل قلمروها و آشفتگی جلوگیری کرد تا تداوم فرهنگی، کالبدی و اجتماعی میان فضای درون و بیرون ایجاد شود. لذا شایسته است که ضوابطی برای طراحی فضای ورودی، مبتنی بر اصالت و هویت ملی تدوین شود.

## یادداشت‌ها

- ۱- در نشانه‌شناسی اصطلاحی با عنوان «موضوع و محمول» مطرح است که در آن محمول بر پدیده‌ای به نام اسناد، استوار است. بدین ترتیب که در یک صحنه، زمینه تصویر، موضوع را تشکیل داده و افزوده جدید بر آن «محمول» است.
- ۲- «آستانه علاوه بر تجلی عملکرد ساختاری - فرهنگی، معرف نمادین نیز است» (گروتز، ۱۹۸۷: ۲۵۱). ورودی خانه تنها به‌عنوان سدی در برابر نگاه یا ورود نامحرم نیست، بلکه نمادی از ذهنیت ساکنان و افراد آن خانه نیز است (نادری‌آزاد، ۱۳۸۰: ۳۳).
- ۳- «کیفیت تقعر در ورودی می‌تواند دیدارکننده را پذیرا باشد» (گروتز، ۱۹۸۷: ۲۵۲). ایجاد تقعر در ورودی بیشترین تأثیر را روی بیننده دارد مانند دو دست باز که فرد را در آغوش می‌کشد؛ در معماری برای ایجاد حس دعوت‌کنندگی، تقعر (گود شدن) و فرورفتگی را در جداره ورودی ایجاد می‌کنند.
- ۴- محتوای نمادین یا آیینی ورود به خانه، در سلسله مراتب مسیر میان دنیای خود و غیر خود متجلی و در دفع تعرض کارساز بوده است (نادری‌آزاد، ۱۳۸۰: ۳۳).
- ۵- «ورودی فضایی است شاخص و امکان مکث را به اندازه لازم فراهم می‌آورد. فضای ورودی در خانه‌های تاریخی این امکان را فراهم می‌آورد که اعمالی چون مذاکره، دیدارهای سریع و غیر رسمی، رد و بدل کردن مایحتاج و از این قبیل در آن صورت پذیرد» (حائری، ۱۳۷۵: ۱۹).
- ۶- ادراک پلان‌های هندسی و پوزانده سنتی، در رویارویی عمودی و تماشای صحنه‌ها، در ترکیبات فضایی ممکن می‌شود. دیوارها از کف تا زیر سقف، طی حرکت بالارونده‌ی پیوسته در تقسیم، اوج می‌گیرند (عینی‌فر، ۱۳۸۲: ۶۴).
- ۷- زیست‌جهان، از واژگان کلیدی محققان پدیدارشناسی در حوزه رفتاری - محیطی است. و به زمینه، مفهوم و آهنگ تلویحی و سرپسته زندگی روزمره اشاره دارد؛ زندگی روزمره‌ای که مردم به‌طور طبیعی به آن توجه فکورانه و تأمل‌آمیزی ندارند. هم‌چنین زیست - جهان، هم شامل زندگی دنیوی و هم فرادنیوی است.
- ۸- برای محقق پدیدارشناس حوزه علوم رفتاری - محیطی، زیست‌جهان و مکان از اهمیت بسزایی برخوردار است؛ زیرا هر دوی آنها به‌طور هم‌زمان انسان و جهان را در کنار یکدیگر قرار داده و وجوه فضایی، فیزیکی و محیطی وقایع و زندگی انسان را بیان می‌کنند. ادراکات انسان تحت تأثیر روابط او با انسان‌های دیگر قرار دارد (پورجعفر و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۱).
- ۹- در جوامع سنتی، ساختمان معمولاً چیزی برآمده از ارزش‌های انسانی بود که کیفیت زندگی را تا حد امکان بالا می‌برد و از مفهوم عمیق و معنوی هستی و موجودیت انسان حمایت می‌کرد (الکساندر، ۱۳۹۰: ۱۰).

## منابع

- ابل، کریس (۱۳۸۷): **معماری و هویت**، ترجمه فرح حبیب، تهران: نشر دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- احمدی، بابک (۱۳۷۷): **معماری مدرنیته**، تهران: نشر مرکز.
- انواری، محمدرضا (۱۳۹۰): «نقد و بررسی نظریه کنش متقابل نمادین»، **معرفت**، س ۲۰، ش ۱۶۷، صص ۱۵۳-۱۷۱.
- بحرینی، سیدحسین؛ علی طالب بابلی، ناهید (۱۳۸۲): «تدوین اصول و ضوابط طراحی محیط ورودی شهر»، **مجله محیط‌شناسی**، ش ۸، دانشگاه تهران، صص ۱۳-۳۶.
- بیده‌ندی، محمد؛ علی‌نوروزی، رضا (۱۳۹۰): «تحلیلی بر فرآیند هویت‌یابی از دیدگاه ملاصدرا»، **فصلنامه علمی پژوهشی خردنامه صدرا**، س ۱۵، ش ۶۳، صص ۴۹-۶۴.
- بیگدلو، رضا (۱۳۹۶): «تحلیل تاریخی کارکرد حس مکان در ایجاد و تداوم هویت ایرانی»، **فصلنامه مطالعات ملی**، س ۱۸، ش ۳، صص ۲۱-۴۲.
- پورجعفری، محمدرضا و همکاران (۱۳۹۰): «پدیدارشناسی هویت مکان در بافت‌های تاریخی»، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی - اسلامی**، ش ۳، صص ۱۱-۲۰.
- تابان، محسن و همکاران (۱۳۹۱): «هویت و مکان؛ رویکردی پدیدارشناسانه»، **هویت شهر**، س ۶، ش ۱۰، صص ۷۹-۹۰.
- تنهایی، حسین‌ابوالحسن (۱۳۷۹): **درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی**، مشهد: نشر مرندیز.
- جوادی، مهسا و همکاران (۱۳۹۴): «درآمدی بر مفهوم هویت محیط انسان ساخت بوسیله مؤلفه‌های مکان، فضا و کالبد»، **فصلنامه مدیریت شهری**، ش ۴۱، صص ۱۳۹-۱۶۰.
- حائری، محمدرضا (۱۳۷۵): «طراحی مسکن امروزی و اصول معماری خانه‌های سنتی»، **فصلنامه آبادی**، س ۶، ش ۲۳، صص ۱۹-۲۸.
- حیدری، آرمان؛ خان‌محمدی، احسان (۱۳۹۶): «مطالعه‌ی برجستگی و همبستگی هویت‌های ملی و جهانی در دانشگاه یاسوج»، **فصلنامه مطالعات ملی**، س ۱۸، ش ۳، صص ۱۴۲-۱۵۶.
- دانایی، ابوالفضل؛ بابائی‌ساروئی، مصطفی (۱۳۹۶): «نقش رسانه‌های مجازی در گرایش به هویت ملی»، **فصلنامه مطالعات ملی**، س ۱۸، ش ۳، صص ۴۳-۶۸.
- دولتی، حسن؛ ضامنی، فرشیده (۱۳۹۵): «تبیین رابطه هویت ملی و پاسخگویی به تهاجم فرهنگی دشمن»، **فصلنامه مطالعات ملی**، س ۱۷، ش ۴، صص ۳-۱۸.
- دیباج، سیدموسی (۱۳۷۸): «صورت مکان و امکان صورت»، **نامه فلسفه**، ش ۵، صص ۴-۲۳.
- سجادی، سیدجعفر (۱۳۳۸): **فرهنگ لغات و اصطلاحات فلسفی**، بی‌جا، بی‌نا.
- سجادی، سیدجعفر (۱۳۷۵): **فرهنگ علوم فلسفی و کلامی**، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- شولتز، کریستین نوربرگ (۱۳۸۲): **معماری: حضور، زبان و مکان**، ترجمه علیرضا سیداحمدیان، تهران: انتشارات نیلوفر.
- صارمی، علی‌اکبر؛ رادمهر، تقی (۱۳۷۶): **ارزش‌های پایدار در معماری ایران**، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- صالحی، سعید؛ نقی‌زاده، محمد؛ حبیب، فرح (۱۳۹۴): «تبیین چگونگی ارتباط هنرمند و مخاطب در اثر معماری به عنوان خالق معرفت»، **مدیریت شهری**، ش ۴۱، صص ۱۰۷-۱۲۴.

- طبیبیان، منوچهر؛ چربگو، نسیم؛ عبداللهی مهر، انسیه (۱۳۹۰)؛ «بازتاب سلسله مراتب در شهرهای ایرانی - اسلامی»، *آرمانشهر*، ش ۷، صص ۶۳-۷۶.
- عینی فر، علیرضا (۱۳۸۲)؛ «الگوی برای تحلیل انعطاف‌پذیری در مسکن سنتی ایران»، *نشریه هنرهای زیبا*، دوره ۱۳، ش ۱۳، صص ۶۴-۷۷.
- عینی فر، علیرضا؛ علی‌نای مطلق، ایوب (۱۳۹۳)؛ «تبیین مفهوم بیرون و درون در فضاهای ما بین مسکن آپارتمانی»، *نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی*، دوره ۱۹، ش ۲، صص ۵۵-۶۶.
- غفوریان، میترا؛ پی‌سخن، مینا؛ حصاری، الهام (۱۳۹۶)؛ «گونه‌شناسی سازمان فضایی و سلسله مراتب ورود در خانه‌های ایرانی با تأکید بر محرمیت»، *نشریه علمی پژوهشی برنامه‌ریزی توسعه کالبدی*، س ۲، ش ۳ (سری جدید)، پیاپی ۷، صص ۱۲۹-۱۴۴.
- فرامیتون، کنت (۱۳۸۵)؛ «منطقه‌گرایی انتقادی»، ترجمه ایمان رئیسی، *مجله معماری و فرهنگ*، ش ۲۶، صص ۱۰۸-۱۲۰.
- کالن، گوردن (۱۳۹۰)؛ *گزیده منظر شهری*، ترجمه منوچهر طبیبیان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- الکساندر، کریستوفر (۱۳۸۱)؛ *معماری و راز جاودانگی، راه بی‌زمان ساختن*، ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی با مقدمه مهدی حجت، تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- الکساندر، کریستوفر (۱۳۹۰)؛ *سرشت نظم، ساختارهای زنده در معماری، پدیده حیات*، ترجمه سیروس صبری و رضا اکبری، علی، تهران: پرهام نقش.
- کیانی، مصطفی و همکاران (۱۳۹۴)؛ «تداوم فضایی در معماری معاصر ایران، بررسی میزان تأثیرپذیری معماری معاصر ایران از معماری معاصر غرب و معماری ایرانی»، *فصلنامه نقش جهان*، س ۵، ش ۱۱، صص ۵۲-۶۷.
- گروت، یورگ (۱۹۸۷)؛ *زیبایی‌شناسی در معماری*، ترجمه جهان‌شاه پاکزاد و عبدالرضا همایون (۱۳۸۸)، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- لنگ، جان (۱۳۹۰)؛ *آفرینش نظریه معماری (نقش علوم رفتاری در طراحی محیط)*، ترجمه علیرضا عینی فر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- محمودی‌نژاد، هادی و همکاران (۱۳۸۷)؛ «پدیدارشناسی محیط شهری: تأملی در ارتقای فضا به مکان شهری»، *نشریه علوم و تکنولوژی محیط زیست*، دوره ۱۰، ش ۴، صص ۲۸۲-۲۹۷.
- مدنی‌پور، علی (۱۳۸۷)؛ *فضاهای عمومی و خصوصی شهر*، ترجمه فرشاد نوریان، تهران: انتشارات پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- معینی، مهدیه؛ اسلامی، غلامرضا (۱۳۸۹)؛ «رویکردی تحلیلی به کیفیت محیط مسکونی معاصر»، *هویت شهر*، س ۶، ش ۱۰، صص ۴۷-۵۸.
- مقصودی، مجتبی؛ حاجی‌پور، سیمین (۱۳۹۵)؛ «تحلیل توسعه سیاسی در ایران از منظر الگوی هویتی»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۱۷، ش ۴، صص ۱۹-۳۸.
- میرزایی، شکوفه و همکاران (۱۳۹۱)؛ «معنا در مکان و آفرینش هویت»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۱۳، ش ۲، صص ۱۲۱-۱۴۱.
- میرشاه‌زاده، شروین (۱۳۹۰)؛ «نقش فضای مرزی و پیوندی در فرآیند آفرینش معنا»، *هویت شهر*، س ۵، ش ۹، صص ۵-۱۶.
- نادری‌آزاد، بابک (۱۳۸۰)؛ «ویژگی‌های عملکردی مسکن در بافت‌های سنتی»، *معماری و فرهنگ*، س ۲، ش

- ۸، صص ۳۳-۴۳.
- وسکاه، آرمین؛ منصوری، بهروز (۱۳۹۵)؛ «گفتمان انتقادی الگوها و نظریه‌های تحلیل نشانه‌شناختی در معماری و طراحی شهری»، *مدیریت شهری*، ش ۴۲، صص ۲۷۲-۲۴۹.
  - هاشمی‌زاده، سیدرضا؛ دلاور، علی؛ مظفری، افسانه (۱۳۹۶)؛ «هویت ایرانی و سینما؛ بازنمایی هویت ایرانی در فیلم مادر»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۱۸، ش ۱، صص ۸۶-۱۰۲.
  - یوسفی، علی (۱۳۸۰)؛ «میزگرد: فرهنگ هویت ایرانی»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۱، ش ۴، صص ۱۱-۶۰.
  - Alston, William, P. (2002); *Philosophy of language*, (A. Iranmanesh, A. Jalili, Trans.). First Edition, Tehran: Sohrevardi, Tehran, 137.
  - Arnheim, Rudolf (2007); *The dynamics of architectural form*, Tehran; Samt & the Iranian academy of the arts.
  - Castells, Manuel (1998); *The Rise of network society*, Oxford Basil Blackwell.
  - Correa, C. (1983); *Architecture and Identity*, Singapore: Concept Media Pte Ltd.
  - Ducrot, O. Et Schaffer J.M. (1995); *Nouveau Dictionnaire Encyclopedique des Sciences du Language*, Paris: Seuil.
  - Eckartsberg, R. (1998b); *Existential - Phenomenological research*, In R. Valle (Ed.), *Phenomenological inquiry in Psychology*, New york: Plenum.
  - Eco, Umberto (2005 ); *Function and Sign: The semiotics of Architecture, in Neil Leach (ed ), Rethinking Architecture: A Reader in Cultural Theory*, Taylor & Francise - Library.
  - Masnavi, Mohammadreza and Vahidzadegan, Fariba (2014); "Recreation of the Persian Gardens Conceptual System Islamic- Iranian Garden city", *Nagshajahan*, (1) 27- 35.
  - Shirazi, Sadreddin (2012); *Intiution of Divinity*, Translator by Ali Babaei, Tehran: Mola press.
  - Spiegelberg, H. (1982); *The Phenomenological movement*, Dordrecht, The Netherlands: Martinus Nijhoff.

